

نوا

کرونا جان موزیسین نواحی را گرفت



عیسی رستمی آفین، نوازنده موسیقی مقامی خراسان جنوبی، چهارشنبه ۱ مردادماه بر اثر ابتلا به بیماری کرونا

در شهر قاین دارفانی را وداع گفت. به گزارش روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، عیسی رستمی آفین استاد موسیقی مقامی خراسان جنوبی، چهارشنبه اول مردادماه بر اثر ابتلا به بیماری کرونا در شهر قاین دارفانی را وداع گفت. عیسی رستمی متولد سال ۱۳۴۷ دهستان آفین، بخش زهان شهرستان زیرکوه بود. او به سبب علاقه به موسیقی محلی از دوران نوجوانی آواز محلی راندیال می کرد. در سال ۱۳۷۸ به صورت تجربی دو تار نوازی را آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۸۲ در محضر استاد عزیز تنها و استاد ذوالفقار عسکریان بهره برد. او ضمن نوازندگی و تار به جهت علاقه به خوانندگی محلی از دوران نوجوانی و جوانی در این زمینه نیز فعالیت داشت. مرحوم رستمی مسئول گروه موسیقی مقامی سرانگ شهرستان قائنات بود و سال های متمادی با انجمن موسیقی قاین و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قائنات در اجرای کنسرت های موسیقی، جشنواره های موسیقی مقامی در شهرستان و استان به عنوان نوازنده و داور همکاری داشت. این هنرمند از سال ۱۳۸۵ با صداوسیما خراسان جنوبی نیز همکاری داشت که آثار ارزشمندی از دو تار و آواز او در آرشو می مرکز صداوسیما استان خراسان جنوبی موجود است.

«کیو»؛ مجله معتبر را ک تعطیل شد



«کیو» از ماهنامه های معروف موسیقی در انگلیس به دلیل خسارت اقتصادی ناشی از شیوع کرونا، پس

از ۳۴ سال فعالیت این ماه آخرین نسخه خود را منتشر می کند. به گزارش خبرگزاری رویترز، تد کسلر (Ted Kessler) دبیر ماهنامه موسیقی کیو (Q) روز دوشنبه در توییتر از تعطیلی این مجله خبر داد و کرونا را مسئول مشکلات مالی وارده به این مجموعه دانست. تیراژ این ماهنامه در ماه های اخیر در مقایسه با ۲۰۰ هزار نسخه در سال ۲۰۰۱، به تنها ۲۸ هزار و ۳۵۹ نسخه کاهش یافته بود و شیوع کرونا عرصه را بر این نشریه تنگ تر کرد. نسخه آخر این ماهنامه سه شنبه این هفته تحت عنوان ماجراجویی با افسانه ها، از ۱۹۸۶ تا ۲۰۲۰ منتشر می شود و شامل گزیده ای از بهترین مصاحبه های این مجله با چهره های محبوب دنیای موسیقی از جمله دیوید بویی، جونی میچل و پرنس خواهد بود. مجله کیو که در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد، به مصاحبه های مفصل و متنوع مطالب از سبک های راک و پاپ گرفته تا پاپ و R&B شناخته می شد.

سالن رم به نام موریکونه

شورای شهر رم روز جمعه هفدهم جولای به نام گذاری یکی از سالن های کنسرت این شهر به نام «انیو موریکونه» اسطوره قنبد آهنگسازی سینیما رای داد. انیو موریکونه آهنگساز پرکار ایتالیایی که به ساخت موسیقی فیلم های مطرحی چون یک مشت دلار و خوب، بد و زشت شناخته می شود، ۱۶ تیر امسال در ۹۱ سالگی درگذشت. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هالیوود ریپورترز، شورای شهر رم روز جمعه با رأی مثبت به طرح پیشنهادی برای نام گذاری یکی از سالن های کنسرت این شهر به نام این اسطوره موسیقی، به پارک شهر رم از این پس سالن انیو موریکونه نامیده می شود. جوزپه تورانوره، کارگردان و فیلمنامه نویس سرشناس ایتالیایی که با فیلم سینیما پارادیزو موفق به دریافت جایزه اسکار شد، در مراسمی که به این مناسبت در تالار شهر رم برگزار شد، با چشمانی اشک بار گفت موریکونه معتقد بود در سکوت و فاصله مابین دوت می توان کلید ورود به موسیقی را پیدا کرد. بنابراین شاید سکوت (بدی) که وی چند روز پیش در آن فرورفت سخت ترین سکوتی باشد که به آن گوش فرا خواهیم داد چون بسیار طولانی خواهد بود.

باید پرسید فضای مجازی چه مزیتی بر تلویزیون دارد که بخش کنسرت ها در آن رونق یافته بدون اینکه بده بستان دنیای مجازی در آن حاکم باشد؟ و آیا این باز تولید مناسبات حاکم بر صداوسیما در فضای مجازی نیست؟ مناسباتی که اغلب مردم از آن خرسند نیستند

به نوازندگی آشنایی نداشتند و ساز را نمی شناختند که در حین بلند شدن صدای ساز دوربین فوراً سراغ نوازنده آن برود (در اجراهای همراه از کنسرت و گروه با این مساله مواجه بودیم) و یا مقید به ضوابط تلویزیونی بودند که بیشتر کلیت سالن اجرا را به نمایش بگذارند و یا تنها خواننده را تمام قد بر صفحه بنشانند و کمتر سراغ ساز پرورند. از این رو باید پرسید فضای مجازی چه مزیتی بر تلویزیون دارد که بخش کنسرت ها در آن رونق یافته بدون اینکه بده بستان دنیای مجازی در آن حاکم باشد؟ و این گونه آیا فضای مجازی تنها به یک بستر بخش فرو کاسته نمی شود؟ و آیا این باز تولید مناسبات حاکم بر صداوسیما در فضای مجازی نیست؟ مناسباتی که باعث شده اغلب مردم از آن خرسند نباشند و به دنبال برنامه هایی بگردند که شرایط حاکمیتی صداوسیما در آن کمتر است. به طور مثال در برنامه های و سریال های تلویزیونی سوژه ها و موضوعات با آنچه در تئاتر و سینما وجود دارد کاملاً متفاوت است با این حال اکنون با کنسرت هایی در شبکه مجازی مواجهیم که با برنامه های تلویزیونی مویی نمی زند.

چرا همه چیز در این حد صداوسیماوار است؟ یعنی در اندازه استاندارد دهی صداوسیما پخش می شود. و البته تنها به این اکتفا می کند که با توجه به اینکه حساسیت ها و محدودیت های موجود در صداوسیما امکان نشان دادن ساز را ندارد (دلیلی که بیشتر مدیران دولتی فرهنگ به کار می برند)، پس پخش کنسرت از شبکه های مجازی با استفاده از قابلیت تلویزیون تعاملی فراهم آمده است. تلویزیونی که البته صداوسیما آن را در اختیار دارد و آهسته و بی سروصدا بر فضای مجازی نیز حاکم شده است. اما از این ها گذشته آیا نمی توان در شبکه های مجازی کنسرتی بر گزار کرد که بینندگان در خانه بتوانند در اجرای زنده هم حاضر باشند و پیغام و هورا کشیدن و تشویقشان را به خواننده یا نوازنده محبوبشان منتقل کنند؟ اغلب بر گزار کنندگان کنسرت رایگان با استفاده از بخش در اینستاگرام می توانستند پذیرای آن لاین و واکنش مخاطبانشان باشند اما همگی دسترسی مخاطبان به واکنش و ارسال پیام را بسته بودند و ترجیح دادند آن را به صورت یک برنامه تلویزیونی مدیریت کنند.

اما آیا نمی توان از آن خشکی و بی روحی برنامه ها و مناسبات رسمی و خشک حاکم بر فضای اداری در فضای مجازی کاست؟ اگر قرار است همان مناسبات و شیوه ها حاکم باشد چرا این برنامه ها را در فضای مجازی بر گزار می کنیم و چرا نخواهیم که از تلویزیون سراسری بخش شونود؟ تنها به دلیل ممنوعیت تلویزیون بر بخش تصویر ساز؟ البته این هم که ماشالله هزاران بار پشت گل و سبزه پنهنش کرده اند باز هم می توانند و البته در بخش های کنسرت آن لاین نیز با تصاویر آن چنانی از نوازندگان مواجه نبودیم و اغلب فیلم برداری هایی را شاهد بودیم که یا

با نگاهی به کنسرت های برگزار شده در تلویزیون های تعاملی اینترنتی کنسرت آن لاین چگونه رویدادی است؟



هنوز آن لاین بودن و استفاده از بستر شبکه مجازی تنها به جهت «بستر و رسانه بخش» مدنظر بوده و از هیچ یک از مزایا و امکانات آن لاین بودن و ارتباط در لحظه و واقعی (real time) این «بستر ارتباط دوطرفه» استفاده نشده و تنها به همان بستر پخش بودن بسنده شده است. از این رو اغلب اجراهای آن لاین تفاوتی با بخش یک فیلم از تلویزیون ندارند. و به همان میزان سعی شده تا همه چیز رسمی و تلویزیونی در استاندارد صداوسیما ایران باشد. و این همان فرقی است که یک بیننده کنسرت آن لاین متوجه آن نمی شود که

و بنا بر شرایط از آن به نحو احسن استفاده کرد. مساله ای که کمتر بدان در کنسرت های آن لاین اندیشیده شده و کمتر مورد توجه برنامه گذاران و مجریان کنسرت ها بوده است. و در صورتی که به آن سنجیده نگاه شود می تواند رویکرد جدیدی را ایجاد کند. چرا که با این همه کنسرت پخش شده از بستر اینترنت به صورت آن لاین، هنوز مشخص نیست کنسرت آن لاین (رایگان و غیر رایگان در اینجا مدنظر نیست) چه تفاوتی با یک برنامه رسمی ضبط شده که از تلویزیون صداوسیما پخش می شود دارد. یعنی

در بالکن اول سالن پیش آمده این بار سن اجرا پشت به صندلی های تماشاچیان تالار وحدت قرار داشت و دوربین ها نیز سالن باشکوه و اما خالی از جمعیت تالار وحدت را نشان می دادند تا دیگر در این شرایط کرونایی تخلفی از جانب مدیران بنیاد رودکی مبنی بر دعوت از میهمانان و ایجاد دحام صورت نگرفته باشد و البته زیبایی این سالن باشکوه نیز از تیرگی یک گراند های پیشین کنسرت ها بکاهد. این اجرا نشان داد که می توان برخی ضوابط و سنت های اجرایی را برای کنسرت آن لاین تغییر داد



بینا یاری

آخرین کنسرت آن لاین و غیر رایگان بر گزار شده در شامگاه جمعه سوم مردادماه به اجرای سالار عقیلی اختصاص داشت که این بار یک نکته مثبت مهم را به نمایش گذاشت و آن اینکه در این اجرا می توان سنت های اجراهای معمول را تغییر داد. با توجه به حجم اعتراضاتی که پیش تر در اجرای کنسرت آن لاین و غیر رایگان همایون شجریان نسبت به تماشاچی های حاضر

دنگ و دونگ

مرور آلبوم «در ستایش غزل» به آهنگسازی پویان بیلگر و خوانندگی «علیرضا پوراستاد»

نشان کلاسیک بودن

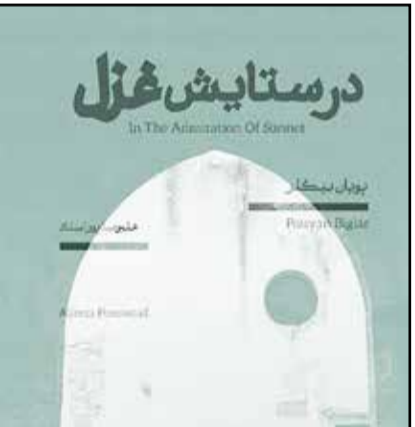
آزوبین صداقت کیش

یک دستگاه، آواز، یا حتی یک مدم می تواند نشانه باشد. این را در تاریخ موسیقی دستگاهی مان تجربه کرده ایم. آنگاه که منطق فاصله گذار «هفت بازگشت» یا «جریان احیای» موسیقی ایرانی در میانه قرن حاضر تکیه بر دو دستگاه در هنگام روی دادش مهجور بود یکی از نمونه های روشن این نشانه بودن را از لحاظ تاریخی تجربه کرده ایم. همواره به عنوان یکی از نقاط تاریخی به در آمدن جریان احیای موسیقی مارو کردن به سوی دستگاه راست پنجگاه و نوا در دو کنسرت اکنون بس مشهور جشن هنر در دهه ۵۰ شمسی یاد شده است (فارغ از صحت یا دقت تاریخی ادعای احیای گرایان در فراموشی این دو دستگاه). عجیب نیست.

موسیقی نواحی، یکی از ریشه های سترگ فرهنگی ما، فقیر تر شد

استاد زنگشاهی نوازنده پر آوازه قیچک درگذشت

استاد رسول بخش زنگشاهی، جمعه، سوم مردادماه بر اثر بیماری قلبی و ویوی درگذشت تا موسیقی ایران در سوگ یکی دیگر از بزرگان هنر و فرهنگ خود بنشیند. زنگشاهی در دو سال آخر عمر به علت بیماری دایبت مجبور قطع یکی از پایهای خویش شده بود و حتی در جشنواره موسیقی فجر سال ۱۳۹۶ که از او تقدیر شد با یک پای مصنوعی بر روی سن آمد و همگان را بهت زده کرد. پهلوان رسول بخش زنگشاهی، زاده ۱۳۲۰ در آشار مهرستان، در گذشته ۲ مرداد ۱۳۹۹، نوازنده قیچک و هنرمند موسیقی نواحی بلوچستان، از سن ۱۴ سالگی فراگیری ساز قیچک (سرود) را نزد پدرش آغاز کرد و در حدود ۶۵ سال به نوازندگی و آموزش موسیقی در بلوچستان پرداخت. از میان ۲۲ فرزندش، تنها دو پسرش «دیم» و «سهیل» در حیطه نوازندگی فعالیت می کنند. زنگشاهی در کشورهایی مانند فرانسه، سوئد، بلژیک، آلمان، سوئیس، ایتالیا، پرتغال، کویت و امارات متحده عربی کنسرت بر گزار کرده بود و از دانشگاه پاریس دکترای افتخاری گرفته بود. البته این تنها مدارک هنری او نبودند چرا که هر کجا به نوازندگی می پرداخت حسن اجرا و ذوقش تنها تحسین را در مخاطبانش برمی انگیزت. او که از دانشگاه پاریس دکترای افتخاری در سال دهه هفتاد شمسی گرفته بود در سال ۱۳۸۲ مدرک دکترای افتخاری نواختن ساز و قیچک را از کشور انگلستان نیز کسب کرد. همچنین ۶۵ سال به نوازندگی و آموزش موسیقی در



این راه می تواند مانند اثری پاندولی به ضد خود بدل شود. یعنی اگر تنها و تنها به هر گز بدن مهجور هاستند شود. دیر نمی گذرد که این راه می فرساید و نشان به نمودی از روزمرگی رخ می گرداند.

دستگاه دویار در محقق افتاده اند یا حداقل شکل های کلاسیک اجرای آنها کمیاب شده است. از همین روست که اجرای افشاری در آلبوم «در ستایش غزل» به تصنیف پویان بیلگر و خوانندگی علیرضا پوراستاد همان نقش «نشان» امی گیر نشان چهارمی؟ کلاسیک بودن و اجتناب از امر روزمره آن گاه که آواز افشاری به دلایلی که از حوصله این مرور کوتاه خارج است از دستگاه ها و آواز های کم تواتر می شود بازگشتن به آن نیز می تواند همچون یک وضعیت اولیه اعلامیه کلاسیک بودن باشد. تنها کافی است آن را بر گزینیم و چنان به شرح و تفصیل بنوازیم که افشاری بودنش تمام و کمال به چشم بیاید (نه چنان که امروز گاه مر سوم است نزدیک به نوا و با صر فلنظر از تمام نقاط تمایزش). روشن است که این تنها گام نخست تواند بود؛ شرطی لازم و نه کافی. اجرای یک دستگاه به شکلی که بیگلر و همکارانش به آن پرداخته اند (پیش ساختگی اعلام شده همه قسمت ها هم از ضربی و غیر ضربی) مانند هر اثر دیگری محتوای سزاوار آن دستگاه به نشان بر گزیده می خواهد که تلاش آفرینندگان و اجرا کنندگان آلبوم یاد آوری می کند این بایستگی را در ک کرده اند. و گرنه رفتن در

اما چون هیچ کجا، ایران نمی شود و از طرفی چون فرهنگ ما با کشورهای دیگر متفاوت است، نپذیر فتم. البته زمانی که فرانسوی ها این پیشنهاد را به من دادند، هنر در کشور ما ارزش داشت. این در حالی بود که او تنها بعد از اینکه در دهه آخر عمر از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشان درجه یک هنری دریافت کرد به مبلغ ۱۲۰ هزار تومان مستمری برای او برقرار شد و غیر از آن هیچ حمایت مادی در استان محروم سیستان و بلوچستان بهره مند نشده بود و روز گارش را با نوازندگی در این مراسم و آن برنامه می گذراند. پهلوان زنگشاهی در برابر این پرسش که چرا فرانسوی ها به موسیقی بلوچی توجه نشان



شورای ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و در هشتمین جشنواره موسیقی نواحی ایران مورد تقدیر قرار گرفته و تندیس جشنواره را دریافت داشت. از او در سی و دومین جشنواره موسیقی افتخاری، به عنوان «چهره برتر قیچک ایران» نیز تجلیل شده بود. این موزیسین فقید چندین سال پیش در مصاحبه ای گفته بود: «در سال ۱۹۹۸ میلادی ۱۳۷۷ شمسی در فرانسه حتی پیشنهاد کردند که همراه اعضای خانواده ام به فرانسه مهاجرت کنم،